

همزمان با برگزاری دومین جشنواره بین‌المللی پانتومیم در شهر زنجان، اداره‌کل هنرهای نمایشی برای نخستین بار به عضویت سازمان جهانی مایم (WMO) درمی‌آید.

همزمان با برگزاری جشنواره بین‌المللی پانتومیم و صدمین سال تولد هنرمند افسانه‌ای مایم، مارسل مارسو و صدویست‌وپنجمین سال تولد هنرمند مایم، اتین دکرو(استاد پانتومیم ژان لویی بارو، با پیگیری های دفتر اموربین الملل

ایران عضو سازمان جهانی «تئاتر مایم» شد



حجت بشریت هستند؛ تا هرکس که به دنبال راهی است برای عبور از سیطره «سکولاریته» و «وامانیسم» متوجه باشد که راهی در میان است تا بتواند خود را به وسعت جهان معنویت، احساس کند و در همین راستا در امور اجتماعی نیز خود را بسط دهد. انسان امروز، می‌خواهد با یک حضور کیفی در جهان حاضر باشد. به قول رنه گنون «سیطره کمیت، بشر جدید را خسته کرده است.» با این توضیح وقتی برنامه‌سازان تلویزیونی می‌خواهند برنامه‌ای بسازند باید در نظر داشته باشند که در چه جهانی و برای چه بشری می‌خواهند برنامه بسازند، به

نظرم روحیه‌ای در صحنه است که می‌خواهد از فردایی قدسی به ما خبر دهد و ما برای این‌که این روحیه را درست دنبال کنیم باید خودمان را مجهز نماییم. می‌توان این‌طور گفت که بشر جدید به نحوی در صدد نوعی بازخوانی است، نسبت به ناکامی‌هایی که مانع حضور او در جهان انس و اشراق شده است. بشر دنبال یک بازخوانی است تا خدایی را بیابد که خدا بودنش را در جهان معنا کند. این بحث مهمی است. بشر جدید، کسی است که بودنش مقدم بر معلومات و دانشش است. ۴۰۰ سال پیش وقتی انسانی عالم بود، می‌گفت

اداره‌کل هنرهای نمایشی ، ایران با دریافت دو کرسی برای نخستین بار عضو سازمان جهانی مایم می‌شود. سازمان جهانی مایم فعالیت خود را از سال ۲۰۱۱ همزمان با زادروز هنرمند فرانسوی مارسل مارسو (۲۲ مارس) آغاز کرده و از سال ۲۰۱۷ همکاری خود را با موسسه بین‌المللی تئاتر ITI با تشکیل یک گروه تئاتر فیزیکال آغاز کرده‌است. این سازمان کنفرانس‌های جهانی مایم را به صورت تخصصی

من این هستم اما امروز می‌گوید، اول باید این بودن من، برابرم حس شود، بعد این بودن را در بستر هویت قدسی وسعتش می‌دهد و به جایی می‌رسد که در قرآن، خداوند به پیامبرش می‌گوید، ای پیامبر، درست است که تو نیزه می‌اندازی و شمشیر می‌زنی ولی در حقیقت خداست که این کار را می‌کند.

بشر دیگری متولد شده

اما در مورد بشر امروز می‌بینیم که او به‌دنبال صدایی است که صدای دیروز نباشد. به دنبال صدایی از جنس صدای انبیای الهی است و نه از جنس صدای مدعیان پیشرفت غربی که هر روز انسان را از ترس مرگ می‌میرانند. این جمله خود متفکران غربی است که می‌گویند ما هر روز نگران فردای مان هستیم. نمونه‌اش کتاب «شوک آینده» نوشته الوین تافلر. بشر امروز می‌خواهد برای امروز و فردایش در آغوش حضور خدا باشد و حالا اگر رسانه، بشر امروز را با این مینا، مورد خطاب قرار دهد، آن وقت این بشر در همین جهان ماوا پیدا کرده است. ما بنا نیست از این جهان فرار کنیم. بشر دنبال عالمی است که او را در بر گیرد و یک‌بودن بی‌کرانه و جاودانه به او اعطا کند.

برای انسان امروز نه دینداری گذشته جواب می‌دهد و نه سوزه شدن انسان. امروز او می‌خواهد خود را در هستی و در جهان احساس کند. او ایوب‌زوار به دنبال صدای حضرت محمد (ص) است که نیوشای صدای فرشتگان الهی بود تا جهانی را آغاز کند که به‌دنبال خدایی است و بتواند به وسعت او و ذیل حضور او در عالم حاضر شود اما فقیر الی‌!... حضرت پروردگار می‌فرماید: «عَلِمَ الْأَشْءَاءَ كُلُّهَا» یعنی همه انوار الهی پیش انسان است. از آن سوانسان در بی‌کرانه حضور خدا، خودش را احساس می‌کند. او آمده است به این خداگوش فرا دهد، نه تنها منکر این خدا نیست بلکه سخت به دنبال اوست تا ربط خود به او را در خود احساس کند؛ احساسی بسیار بالاتر از آن بودنی که زندگی را از آن دنیا کرده است. بشر دیگری متولد شده که نسبت خود را با معنا بخشیدن به جهان دنبال می‌کند. این نوع ارتباط با خود اگر وسعت یابد طلایع حضور در جهانی خواهد بود که از یک جهت جهان خداوند است و از جهت دیگر جهت انسان. اگر بخواهیم در آینده مخاطبان مان از ما محرت نکنند، باید در جهان گشوده الهی باشند که جهان خودشان هم هست.

ایجاد زمینه فهم سخنان فاخر در مخاطب

زودتر از ما متفکران غربی به خصوصی فیلسوفان غربی به این رسیده‌اند که دیگر نباید بشر را بیرون از هست خودش دنبال کرد ولی چون آموزه‌های‌شان کامل نبود، سرگردان شدند. ولی این طرف باید به این فکر کنیم که مخاطب ما آماده است حرف‌های فاخر برایش بزنیم و زمینه فهم سخنان فاخر را در او ببینیم. همان نکته‌ای که رهبری در مبجئی تحت عنوان تمدن اسلامی به آن اشاره کردند. فاخر به این معنا که دوسر خط حلقه هستی از حقیقت به هم تو پیوستی. و «آنزعم

و همچنین کنفرانس‌های ترکیبی (شامل هنرهای مایم و سایر هنرهای نمایشی) برگزار می‌کند. سازمان بین‌المللی مایم همه‌ساله با مشارکت مراکز تئاتری سراسر جهان به آموزش هنرمندان علاقه‌مند به هنر مایم، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مسترکلاس می‌پردازد. کشورهای عضو سازمان جهانی مایم از چهار قاره جهان هستند و مقر آن در شهر بلغراد، پایتخت کشور صربستان است.



انک جرمّ ثقیل و فیک انتوی العالم الاکبر». این جمله منتسب به حضرت علی (ع) است که می‌فرمایند: «انسان فکر می‌کند یک موجود کوچک است در حالی‌که کل (جهان) در درونش نهفته است.» یعنی خیلی بزرگ‌تر از این هستی که بخواهیم تو را یک کوتوله سیاسی ببینیم و بخواهیم ریشخندت کنیم.

ممکن است بگویید که او آمادگی ندارد. خوب، وظیفه ماست آمادگی را در او ایجاد کنیم. حضرت امام وقتی مصباح‌الهدایه را می‌نویسد، آخرش می‌گوید: خدایا از تو می‌خواهم اینها را به جز بر اهلس، بخل‌پورزی. بعد می‌بینیم که ۱۰ برابر بیشترش را در تلویزیون می‌گوید. من نمی‌گویم حرف‌های فلسفی برایشان بزنیم، باید بر مبنای تفکر وجودی صدایی، با یک زبان فاخر نرم با او حرف بزنیم. از خودتان نپرسیدید چرا امام وقتی با گوربا چف صحبت می‌کند از صدرا و ابن عربی با او حرف می‌زند.

فریضه جهاد تبیین

اتفاق جهاد تبیینی که حضرت آقا گفتند، خیلی موضوع عمیقی است و نباید بگذاریم این مسأله مندرس شود. الان در شرایطی هستیم که انقلاب اسلامی و حضور تاریخی حضرت امام رضوان... تعالی دچار سوءفهم و سوءتعبیر شده است. تقصیر خودمان هم بوده است. وظیفه ماست که در این شرایط تاریخی، به بازخوانی آن انقلاب بزرگ دست بزنیم وگرنه با غفلت از حقیقت انقلاب اسلامی، در زندگی، گرفتار افراط در تجدد یا تقریط در تحجر خواهیم شد. امروز ما گرفتار هر دو هستیم. فریضه جهاد تبیین در اینجا حرف دارد. می‌خواهد به انسان بگوید که در تاریخ جدید چه هستید و چگونه می‌خواهید نسبت‌های اجتماعی‌تان را در قالب قدسی احیا کنید. عجیب این‌که این نسل جقدر هم آماده است. به این نسل نه با علم‌الیقین و نه با علم‌العین که فقط با حق‌الیقین می‌توان جواب داد. این نسل می‌خواهد در مواجهه با استکبار، تبار خود را در بقای الهی حفظ کند تا از بوجی دوران نجات پیدا کند.

حضرت امام رضوان... اراده کرده بودند

مقابل افراط متجدد سکولار و متحجر اسیر مناسک، دیات را به زندگی پیوند دهد. همچنان که می‌فرماید، (باید مصلحت زجر کشیده‌ها، جبهه رفته‌ها، شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده‌ها و در یک کلام مصلحت پابره‌نه‌ها و گودنشین‌ها و مستضعفین را بر مصلحت قائدین، نشسته‌ها در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جنگ مقدم بداریم.)

حضرت امام در نامه فوق‌العاده‌ای که به فرزند‌شان احمدآقا دارند، می‌فرمایند: ای احمد، من به تجربه برابرم

روشن شده است که آن جایی که در خلوت نشستیم تا از دست شیطان فرار کنیم به نسبت زمانی که در جلوت و در میدان هستیم بیشتر گرفتار شیطان می‌شویم؛ یعنی حتی اگر خواستید که در دستگاه خلوص باشید، باید در میدان باشید. در میدان حضور تاریخی ذیل اراده الهی، تا خدا در برمان گیرد.

زندگی شورمندانه یعنی زندگی امیرالمومنین و در زمان کنونی یعنی زندگی حاج قاسم، یعنی زندگی که انسان معنای خودش را حس کند و هنگام حضور در صحنه، احساسی به وسعت انسانیت انسان‌ها داشته باشد.

اتحاد افکار عمومی و وجدان عمومی

صحبت‌هایم را ختم به بیانات رهبری می‌کنم که یک دهه پیش در خصوص موضوع مواجهه با بشر جدید در دیدار با روحانیون خراسان شمالی فرمودند.

ایشان می‌گویند: «خودتان را مسلح به سلاح معرفت و استدلال کنید، بعد به این کانون‌های فرهنگی – هنری بروید و پذیرای جوان‌ها باشید. با روی خوش هم پذیرا باشید؛ با سماحت، با مداما. ممکن است ظاهر زنده‌ای داشته باشند؛ داشته باشند. – منظور خانم‌های بدحجاب است – حالا چه کار کنیم؟ ریش کنیم؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه. دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دلباخته به این اهداف و آرمان‌هاست و ...» ما یک افکار عمومی داریم و یک وجدان عمومی. دشمن سعی داشت افکار عمومی را از طریق رسانه‌ها دست بگیرد، ولی حضرت امام، وجدان عمومی را مخاطب قرار داد و زنده کرد. ان‌شاء... ما هم از طریق رسانه‌ها بتوانیم، افکار عمومی را با وجدان عمومی متحد کنیم.

جمله حضرت آقا را ادامه می‌دهم که می‌گویند: «مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است». بعد آن شعر مشهور را می‌خوانند: «گفتا شیخا هر آنچه گویی هستم/ آیا تو چنان که می‌نمایی هستی؟ و...» بعد از نهی از منکر سخن می‌گویند: «نهی از منکر با

زبان خوش، نه با ایجاد نفرت. بنابراین با قشر دانشجو ارتباط پیدا کنید...» خلاصه یادتان باشد تاریخی شروع شده است که خدا در آن اراده کرده که انسان‌ها «آخرالزمانی» شوند؛ یعنی به وسعت حضور در جهان در عین قدسی بودن. آخرالزمانی بودن یعنی آن قدر بزرگی شوند که با ظلمانی‌ترین ظلمات دوره آخرالزمان بتوانند دیگر شوند و تنها کسانی می‌توانند دیگر شوند که یک هویت قدسی داشته باشند.

اگر عصر، عصر اراده الهی برای نفی استکبار است و تفکر در بستر حضور به تاریخی که به ظهور آمده ممکن است، می‌توان گفت در حساس‌ترین شرایط نسبت به تفکر قرار داریم

فریضه «جهاد تبیین»

مخاطب‌های فاخر برایش

برای انسان امروز

نه دینداری گذشته

جواب می‌دهد و نه

سوژه شدن انسان

اول می‌خواهد برنامه بسازد

بشر جدید، بشری است که بودنش مقدم بر معلومات و دانشش است.

برای انسان امروز

نه دینداری گذشته

جواب می‌دهد و نه

سوژه شدن انسان

اول می‌خواهد برنامه بسازد

بشر جدید، بشری است که بودنش مقدم بر معلومات و دانشش است.

برای انسان امروز

نه دینداری گذشته

جواب می‌دهد و نه

سوژه شدن انسان

اول می‌خواهد برنامه بسازد

بشر جدید، بشری است که بودنش مقدم بر معلومات و دانشش است.

برای انسان امروز

نه دینداری گذشته

جواب می‌دهد و نه

سوژه شدن انسان

اول می‌خواهد برنامه بسازد

بشر جدید، بشری است که بودنش مقدم بر معلومات و دانشش است.

فرهنگ

CULTURE

چهارشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۲ ■ شماره ۶۵۶۷

یادداشت

حبیب... بهمنی اکاگردان و تهیه‌کننده سینما

شیخون فرهنگی به هویت ملی



فیلمسازی زیرزمینی، هنری بی‌مجاز و فاقد اجازه دولتی است که در مواردی در ایران جرم محسوب می‌شود و سازنده فیلم به زندان افتاده یا مورد مجازات واقع می‌شود.

البته از نظر من مجازات به تنهایی کافی نیست و حرکت سلبی مساله‌ا حل نمی‌کند. مساله ما زمانی حل می‌شود که علاوه بر حرکت‌های سلبی، حرکت‌های ایجابی هم داشته باشیم. یعنی میان نیروهای فرهنگی انقلاب انسجام و همکاری به‌وجود بیاوریم تا آنها بتوانند تولیدات مناسبی برای مخاطبان داشته باشند و میدان را برای عرضه محصولات مبتذل و زیرزمینی که غالباً از آبشخورهای سودجویانه و معاندانه بهره‌مند می‌شوند، خالی نگذاریم. خالی نگذاریم، تولید فیلم‌های زیرزمینی و غیرقانونی و بالاخص نمایش آنها در جشنواره‌های جهانی یک خودزنی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است و باعث تخریب هویت ملی و فرهنگی ماوند دنیا می‌شود. ما باید تولیدات داخلی و قانونمدار خود را وارد بازار کنیم تا نیاز مخاطب برطرف شود و فرصت به دست جریان‌های معاند داده نشود. بدیهی است که آثار غیرقانونی و زیرزمینی با هدف تخریب فرهنگ ومقابله سیاسی ساخته می‌شود و برای مقابله با این جریان باید چراغی روشن کرد. چون زمانی‌که چراغی روشن می‌شود تاریکی‌ها از بین می‌رود.



سینما رسانه‌ای قدرتمند و جذاب است و سریع‌تر از دیگر رسانه‌ها می‌تواند پیام را به مخاطبان منتقل کند. از این رو نقش سینما در ارتقای فرهنگ عمومی غیر قابل انکار است، چرا که این رسانه، عرصه‌ای مهم برای شناسایی کنش‌های اجتماعی و فرهنگی است و فرهنگ عمومی به معنای فرهنگ غالب که در میان عموم جامعه رواج دارد، بسیار بااهمیت است. سینما رسانه‌ای است که نقشی بسیار نافذ و تعیین‌کننده دارد. کمالین که امروزه در بسیاری از کشورها برای بسترسازی و عملیاتی‌کردن برنامه‌ها و راهبردهای کلان ملی و بین‌المللی از این رسانه بهره‌گیری می‌کنند. فیلم‌ها مرزهای بین‌المللی را می‌شکند و باعث ایجاد یکدستی فرهنگی در تمام دنیا می‌شود. از این رو هیچ رسانه دیگری این قدرت و سرعت نمی‌تواند در فرهنگ‌سازی و همگون‌کردن فرهنگ بین‌المللی تأثیرگذار باشد.

بی‌تردید سینماگران با تهیه فیلم‌هایی که زمینه‌های امیدآفرینی و پرورش انسان‌هایی امیدآور را در جامعه فراهم کند، می‌توانند در جهت تحقق پیشرفت کشور گام بردارند. در ایران باید هماهنگی همه‌جانبه بین سینماگران، مدیریت فرهنگی و اقتصاد سینما و البته مخاطب به وجود بیاید که سینمای ایران بتواند پیشرفت و تأثیری جهانی داشته باشد. این که تمام توقع و نگاه‌مان را معطوف به سینماگر کنیم اشتباه است.

چرا که باید بین چند ضلع مدیران، مخاطبان و اقتصاد سینما هماهنگی به‌وجود بیاید تا سینما تأثیری را که باید داشته باشد بگذارد. تا زمانی‌که این هماهنگی وجود نداشته باشد دچار تشتت فرهنگی هستیم و جریان‌های منفی در جهت از بین‌بردن پایه‌های مذهبی و دینی کشور ما برمی‌آیند و بستر تهاجم و شیخون فرهنگی برای سوءاستفاده فراهم می‌شود.



کربلا منتظر ماست! بیا تا برویم

جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی‌عصر(عج) شهر تهران با عنوان «بیا تا برویم» همزمان با فرارسیدن ایام اربعین حسینی

تصویرسازی لیلا تیموری‌نژاد، مدیریت هنری احسان و علی جعفرپیشه با شعار «کربلا منتظر ماست! بیا تا برویم.» توسط سازمان هنری رسانه‌ای اوج رونمایی و نصب شده‌است.

«صد سال روایت عاشقی» در عکسخانه شهر

نمایشگاه عکس‌های تاریخی «صد سال روایت عاشقی» همزمان با فرا رسیدن ایام سوگاری اربعین حسینی از امروز اول شهریور در موزه عکسخانه شهر برپا می‌شود.

تصاویر این نمایشگاه، سوگاری حسینی دارالارشاد اردبیل را در طول نزدیک به یک قرن به نمایش می‌گذارد. در عکس‌های نمایشگاه صدسال روایت عاشقی، تصویری از مرحوم عباسقلی خجیوی ملقب به تاج الشعرا و سلیم مؤذن زاده اردبیلی نیز وجود دارد.

این نمایشگاه از اول شهریور ۱۴۰۲ ساعت ۱۶ در موزه عکسخانه شهر افتتاح می‌شود و علاقه‌مندان به تاریخ عکاسی، هنرمندان و عکاسان می‌توانند تا تاریخ ۲۶ شهریور از آن دیدن کنند.

در این نمایشگاه ۲۵ تصویر از مراسم عزاداری و شبیه‌خوانی در محلات مختلف اردبیل و دسته‌های سینه‌زنی آنها در دوره قاجار و پس از آن انتخاب و روی دیوار رفته‌است.

علاقه‌مندان برای بازدید از نمایشگاه می‌توانند به موزه عکسخانه شهر به نشانی میدان هفتم تیر، میدان بهار شیراز، پارک بهار شیراز مراجعه کنند.



فراخوان شانزدهمین جایزه «جلال آل احمد»

فراخوان شانزدهمین دوره جایزه‌ادی جلال آل احمد از سوی دبیرخانه این جایزه منتشر شد. بر اساس این فراخوان از نویسندگان، پژوهشگران، پدیدآورندگان و ناشران دعوت شده

تا آثار خود را در چهار گروه «داستان بلند و رمان»، «مجموعه داستان کوتاه»، «نقد ادبی» و «مستندنگاری» به این دبیرخانه ارسال کنند. کتاب‌های ارسالی باید برای نخستین بار در سال ۱۴۰۱ منتشر شده‌باشند، یا مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران در داخل کشور به چاپ رسیده‌باشند و در یکی از چهار گروه بالا قرار گیرند. نویسندگان، پژوهشگران، پدیدآورندگان و ناشران می‌توانند پس از تکمیل نسخه فیزیکی کارپیرگ که در نشانی ir.ketab.jalal قابل دسترسی است، چهار نسخه از آثار خود را تا ۱۵ مهرماه ۱۴۰۲ به دبیرخانه جایزه ادبی جلال آل احمد به نشانی تهران، خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه خواجه‌نصیر، پلاک ۲، ساختمان سرای اهل قلم، طبقه ۴، کدپستی ۱۳۱۵۷۲۲۴۱۱ ارسال کنند. علاقه‌مندان می‌توانند به ketab.ir مراجعه کنند.